

هنوز وقت ژنرال ها نرسیده است!

احمد آزاد

اقتصاد اروپا در مقابل امریکا و ژاپن برداشته شده است. اکنون رقابت در عرصه اقتصادی اهمیت درجه اول یافته است. در این عرصه امریکا با مشکلاتی مواجه است. استراتژی نوین امریکا حداقل برای چند دهه دیگر گسترش حوزه نفوذ مستقیم خود به منابع مهم اقتصادی و از جمله نفت، در جهان و کنترل آنها می باشد. واقعه ۱۱ سپتامبر موقعیت مناسبی در اختیار امریکا قرار داد تا تنظیم و اجرای نقشه های خود، برای تغییرات سیمای سیاسی جهان و گسترش حوزه نفوذ خود را، تسریع بخشد.

اما گسترش حوزه نفوذ امریکا معنایی جز کاهش حوزه نفوذ دیگر کشورهای سرمایه داری ندارد. دعوای کنونی درون شورای امنیت ناشی از این دعوای سیاسی است.

امریکا با لشکرکشی به عراق، یکی از مهمترین ذخایر نفتی دنیا و خلیج فارس به عنوان مهمترین مرکز تولید نفت جهان را در کنترل مستقیم خود خواهد داشت. پس از عراق یقینا نوبت ایران خواهد بود و در صورتیکه امریکا موفق شود بدون در دسر زیاد در عراق و ایران حکومت های تابع خود را بر سر کار آورد، عملا نه تنها بخش عمده تولید نفت جهان را کنترل خواهد کرد، بلکه یکی از بزرگترین بازارهای مصرف کننده کالا و سرویس را در اختیار خود خواهد گرفت. این آن آینده ای است که دیگر کشورهای سرمایه داری و بویژه اروپاییان را خوش نمی آید. چنین است که صدراعظم آلمان، شعار انتخاباتی خود را مخالفت با جنگ در عراق قرار می دهد و دولت فرانسه تهدید می کند که در شورای امنیت از حق وتوی خود استفاده خواهد کرد. همزمان نمایندگی فرانسه در سازمان ملل قطعنامه دیگری در مقابل قطعنامه امریکا تهیه می کند که نه تنها حمله به عراق را منوط به تصمیم شورای امنیت می کند، بلکه خود این تصمیم را نیز دو نوبتی کرده و امکان حمله به عراق بدون تشکیل جلسه شورای امنیت را از بین می برد. بدین معنی که در ابتدا هیات بازرسی سازمان ملل به عراق باز خواهد گشت. در صورت بروز اختلال در کار آنها و در صورت تایید مسئول بازرسان سازمان ملل، مجدد جلسه شورای امنیت برای تصمیم گیری در این مسئله تشکیل خواهد شد.

دولتمردان اروپا در این مقاومت در مقابل امریکا، از پشتیبانی مردم صلحدوست و آزادیخواه جهان بهره مند هستند. در دو هفته

بویژه حکومت های اروپایی از سرعت پیشبرد نقشه های حکومت امریکا کاسته و وی را مجبور ساخته است که چندی نقشه تهاجم به عراق را به تعویق اندازد. مسئله تهاجم به عراق را باید در چارچوب استراتژی نوین امریکا پس از فروپاشی اردوگاه سابق سوسیالیستی و تبدیل آن به تنها ابرقدرت جهانی جستجو کرد. امروزه برای همگان روشن است که مبارزه با تروریسم بهانه ای بیش نیست.

در دوران جنگ سرد، دو اردوگاه در مقابل یکدیگر صف بندی کرده بودند. کشور شوروی و همپیمانان وی از یکسو و امریکا و متحدانش از سوی دیگر. امریکا به اعتبار قدرت نظامی خود نقش محوری را در قطب سرمایه داری بازی می کرد و دیگر کشور های این قطب که عمدتا اروپاییان بودند بر روی نیروی نظامی امریکا برای مقابله با ماشین جنگی پر قدرت پیمان ورشو تکیه کرده بودند. با فروپاشی اردوگاه سوسیالیستی سابق، آن ماشین جنگی هم از بین رفت و شبح جنگ از روی اروپا برخاست. اکنون دیگر خطر تهاجم نظامی مهمی اروپا را تهدید نمی کند و از این زاویه اروپا نیازی به ارتش پر قدرت امریکا ندارد. امریکا هنوز به لحاظ نظامی پر قدرت ترین کشور جهان است (بودجه نظامی امریکا به تنهایی چندین برابر بودجه نظامی تمامی کشورهای اروپایی است) این ماشین جنگی اولاً بسیار پرهزینه است و دوماً مشکل بتوان آنرا کوچک کرد، چرا که تا همین ده سال پیش یکی از منابع مهم تغذیه صنایع نظامی امریکا بود و اکنون نیز می باشد. مهمتر اینکه در گذشته امریکا به اعتبار قدرت نظامی خود، مورد نیاز کشورهای اروپایی بود. در حالیکه اکنون، حفظ ابر قدرتی تنها با تکیه بر ارتش ناممکن است و باید در عرصه اقتصادی نیز برتری خود را حفظ کند.

در زمینه اقتصادی اروپا حرفی برای زدن دارد و آسیای جنوب شرقی نیز رقیبی پرزور است. بویژه با تشکیل اتحادیه اروپا و شکل گیری پول واحد، گام های جدی در تقویت

در حالی که فرماندهان ارتش امریکا برای حمله به عراق روز شماری می کنند، مخالفت گسترده جهانی و بویژه اکثر حکومت های اروپایی با این تهاجم نظامی، دولت امریکا را به عقب نشینی واداشته. در عین حال کاخ سفید اعلام کرده است که ضمن ادامه مذاکرات در شورای امنیت برای دستیابی به یک قطعنامه جدید، حق تهاجم نظامی به عراق را در هر زمان که لازم بداند برای خود نگه میدارد.

به دنبال پذیرش بی قید و شرط بازگشت بازرسان سازمان ملل از سوی عراق، امریکا خواستار تصویب قطعنامه جدیدی شد و بازگشت بازرسان سازمان ملل را منوط به تصویب این قطعنامه و پذیرش آن از سوی عراق دانست. بدین ترتیب توافق میان نمایندگان عراق و سازمان ملل هم، برای شروع مجدد بازرسی تسلیحاتی در عراق، تا تصمیم مجدد شورای امنیت به تعویق افتاد.

امریکا و انگلیس پیشنویس قطعنامه جدیدی را به شورای امنیت سازمان ملل ارائه کردند. این در حالی بود که دیگر اعضاء این شورا با امریکا موافق نبوده و لزومی به صدور قطعنامه جدید نمی دیدند. مخالفت دیگر اعضاء شورای امنیت و بویژه سه عضو دائمی آن، فرانسه، چین و روسیه و تهدید به استفاده از حق وتو در صورت اصرار امریکا، عملا بحران عراق را به بحران توافق قدرت های جهانی در شورای امنیت سازمان ملل تبدیل کرد. جورج بوش بدنبال مقاومت اروپاییان، اعلام کرد که برای حمله به عراق نیازی به قطعنامه ندارد و برای دفاع از منافع امریکا، در صورت لزوم یک جانبه به عراق حمله خواهد کرد. همزمان لایحه ای را به مجلس سنای امریکا برد که در آن به رئیس جمهور اجازه داده می شد که با تشخیص خود و در صورت لزوم، دستور حمله نیروهای نظامی امریکا را صادر کند.

دولت امریکا در درون همه ابزار لازم برای تهاجم به عراق را فراهم آورده. ولی در عرصه جهانی مخالفت وسیع مردم جهان و

